



قسمت هشتم در حالی پیگیری شد که سیر آن کمی عجیب و تا حدودی مستقل از سایر اپیزودهای فصل دوم بود. داستان این هفته، یکپارچه، تر و تمیز و متمرکز بر روی یکی از شخصیت‌های ناشناخته سریال بود.

فصل دوم - قسمت هشتم	Kiksuya	انتشار: 20 خرداد (June 10)
برای دسترسی به نقد و بررسی سایر قسمت‌های westworld کلیک کنید		

«آکیچیتا» نام یکی از قدیمی‌ترین میزبان‌های پارک است که در قسمت دوم به همراه آنجلا، لوگان را متقاعد کردند تا سرمایه مورد نیاز پارک را تأمین کنند. او در خط داستانی پارک به عنوان شخصیتی ترسناک شناخته می‌شد که همواره قصد آسیب زدن به سایرین را دارد. اما بعد از دیدن اپیزود هشتم، ورق برگشت و موضوع 180 درجه با چیزی که فکر می‌کردیم تفاوت داشت. Kiksuya داستان رماتیک و تراژیک زندگی آکیچیتا، رهبر گروه سرخپوستان «گوست نیشن» را به تصویر می‌کشد. سرخپوستان در وست ورلد به زبان «لاکوتا» سخن می‌گویند و واژه Kiksuya در این زبان «به یاد داشته باش» معنی می‌شود. با توجه به فلش‌بک‌هایی بسیار به گذشته آکیچیتا، این مفهوم کاملاً در ذهن ما تفهیم شد.



پس از پایان **اپیزود هشتم فصل دوم**، باید از خودمان سوال کنیم که آیا بهتر از این هم می‌توان ساخت؟ واقعاً که کارگردانی و نویسندگی این قسمت کم‌نظیر بود و بدون شک، Kiksuya یکی از فراموش‌نشده‌های سریال westworld است. در ابتدا که مرد سیاه‌پوش نشان داده شد، بنظر می‌رسید باید ادامه اپیزود هفتم را دنبال کنیم. اما زمانی که اکیچیتا (زان مک‌کلارنون) به دختر میو گفت: «من تو رو به یاد می‌آورم...» مسیر داستان به چند دهه قبل برگشت. یکی از قدیمی‌ترین میزبان‌ها، تنها به دلیل اینکه در حاشیه قرار داشت، نیازی به آپدیت کدهای ذهنش احساس نمی‌شد و او سال‌هاست که هوشیار است. کمتر کسی فکر می‌کرد که این کارکتر تا به این حد در سریال اهمیت داشته باشد و رد پاهای بی‌شمار هزارتو، به او مربوط شود.

هوشیاری اکیچیتا بیشتر از همه به ضرر ویلیام است. ویلیام که تنها یک قدم با آب رودخانه و با مرگ فاصله دارد، به دست سرخپوستانی می‌افتد که سنگدلی‌های او را به یاد دارند. البته او خوش‌شانس است که دخترش، گریس، می‌تواند او را پیدا کند. سوالی که باز هم باید تکرار کنیم این است که چگونه گریس توانست به راحتی پدرش را در محیط بزرگ پارک بیاید؟ سری قبل، او مسیرش را از راج ورلد شروع کرد و نهایتاً در وسط یک بیابان (بدون هیچ نشان یا صحبت قبلی) ویلیام را پیدا کرد. حتی اگر در بار نخست درصدی شانسی قائل بودیم، این بار صددرصد مطمئن هستیم که دلیل دیگری برای این موضوع وجود دارد.



در اولین خط داستانی، صمیمیت، انسانیت و خاطرات خوش در زندگی سرخپوستان موج می‌زند؛ چیزی که نظیرش در پارک را کمتر می‌بینیم. با عوض کردن نقش اکیچیتا و یارانش، علاوه بر خشونت و کشتار، او از قبیله‌اش هم جدا می‌شود. سال‌ها با همین منوال سپری می‌شود اما «عشق» او را از چرخه روزانه خارج می‌کند و خاطرات همسرش جرقه بیداری او را می‌زند. صحبت‌های لوگان در ذهن اکیچیتا یادآوری می‌شود: «باید به راهی به بیرون باشه. درب کجاست؟ اینجا دنیای اشتباهیه». اما درب پیدا نمی‌شود و تازه همسر او نیز، با میزبانی دیگر جایگزین می‌شود. او دو بار عشق خود را از دست می‌دهد و در جستجو، به سرزمین‌هایی وارد می‌شود که خطری بزرگ برای یک سرخپوست محسوب می‌شود. اکیچیتا که حتی از حذف خاطراتش هم ترس دارد، جهان پس از مرگ را هم امتحان می‌کند و در نهایت او را در سردخانه پیدا می‌کند. در این نقطه از فیلم دقیقاً همان چیزی که سازندگان انتظار دارند اتفاق می‌افتد؛ همذات‌پنداری! علی‌رغم نقش خشن اکیچیتا، او شخصیتی مظلوم و سمبلی از صلح محسوب می‌شود.

نماد هزارتو تأثیر بسیاری بر اتفاقات پارک گذاشته است. به گفته خود اکیچیتا، وقتی او اسباب‌بازی چارلی را پیدا کرد، صدایی از درونش شنید که احتمالاً همان صدای آرنولد است و پیش‌تر رابرت کودک و دلورس نیز آن را شنیده بودند. همین صدا بود که باعث حفظ نماد هزارتو و البته سردرگمی ویلیام سیاه‌پوش شده بود. علاوه بر این موضوع، اکیچیتا از دلورس به عنوان «آورنده مرگ» یاد می‌کند و سعی دارد قبل از او، درب را پیدا کند. تصور می‌شود «آنسوی دره»، «اسلحه» و «درب» هر سه، یک مکان یکسان باشند. در قسمت‌های پیشین فصل دوم، ویلیام جوان جایی را به دلورس نشان داد که اکیچیتا آن را دیده بود. با توجه به عکس زیر، مشخص می‌شود که این مکان و دریای میزبان‌های مرده، هر دو یکسان هستند و هر چه هست هدف نهایی دلورس و اکیچیتا به اینجا ختم می‌شود. فراموش نکنیم که توانایی میو در کنترل میزبان‌ها نیز برگ برنده‌ای است که شاید در اختیار شارلوت قرار بگیرد.



در ستایش **قسمت هشتم فصل دوم**، هر چه بگوییم کم است. این اپیزود همانند یک فیلم سینمایی در دل یک سریال بود. پس از چند قسمت اکشن، سازندگان سریال احساس کردند که باید اپیزودی درام و عاشقانه بسازند و برای تأثیرگذاری بیشتر، تمام زمان 60 دقیقه‌ای را به یک شخصیت اختصاص دهند. در انتها موسیقی زیبای این اپیزود را برای شما عزیزان آماده کرده‌ایم.

تاریخ انتشار:
23 خرداد 1397

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/entertainment/13187/%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%88-%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%82%D8%B3%D9%85%D8%AA-%D9%87%D8%B4%D8%AA%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D9%81%D8%B5%D9%84-%D8%AF%D9%88%D9%85-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84-westworld>